

# قابل دسترس کردن اسناد تاریخی جنبش ما

کمیته رهبری حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۲

حکمتیست  
هفتگی  
۶۹

۲۹ ژوئن ۲۰۱۵ - ۸ تیر ۱۳۹۴  
دوئشنبه ها منتشر میشود



## دموکراسی اسلامی ایران! دهان بسته و تصویر پوشیده خاتمی!

ثریا شهبابی

دمکراسی و آزادی های  
دمکراتیک میرسد: حواریون قدیم  
و جدید دوحرداری حکومت!

این ها تراشات گروه بندی  
های حکومت و طرفداران آنها در  
فضای به اصطلاح روشنفکری و  
گفتمان های سیاسی است.  
صبحت بر سر انتخابات مجلس  
دهم است و تقسیم کرسی ها بین  
همان کسانی که قبلا این کرسی  
ها را داشتند و یا کسانی که بی  
دلیل به بیرون از گود پرتاب شده  
بودند. مسئله باز براه انداختن

از خاتمی نویسید/ خاتمی  
ممنوع البیان و ممنوع التصوير  
است: محسنی اژه ای معاون اول  
قوه قضاییه جمهوری اسلامی ۲۷  
پهمن ۹۳  
این ادعا دورغ است شورای  
عالی امنیت چنین مصوبه ای  
ندارد: حسن روحانی رئیس جمهور  
دولت اعتدال: ۲۳ خرداد ۹۴  
اگر همه با هم پشت جنبش  
اصلاحات متحد شویم و مانع  
پیشروی افراطیون شویم ایران به

بساط بازاری گرم از بالا و توسط  
خود سرداران "سازندگی" و  
ایثارگران "مقاومت و پایداری"  
است از یک طرف، و برپا شدن  
دکان طیفی از بی بضاعت ترین و  
بی مایه ترین "شخصیت" های  
مفسر و مبلغ در فضای به  
اصطلاح روشنفکری و کنشگری  
سیاسی ایران است.  
ده ماه به انتخابات مجلس  
دهم مانده، باز موجی از تقلا در  
درون حاکمیت و ... ←



## شکاف بزرگ

فواد عبداللهی

"اسرائیل در حق شماها بزرگی کرده است و به شما  
شناسنامه و هویت اسرائیلی داده است، از این رو از شماها  
اکنون می خواهم شناسنامه های خود را بازگردانید...  
شماها در یک دولت دمکراتیک زندگی می کنید و باید به  
این دولت احترام بگذارید..."  
اینها یاهو های یارون مازوز معاون وزیر امور داخلی  
اسرائیل به نمایندگی از حزب لیکود است که رو به  
همکاران عرب خود در کنست اظهار داشت.

قوم پرستی مبنای دولت اسرائیل است. سخنان معاون  
وزیر در این زمینه نمونه کوچک و گویایی در اثبات این  
ادعا است. علیرغم عربده کشی های قومی سران دولت  
اسرائیل که بر متن بی ثباتی و سیاهی اوضاع خاورمیانه  
سر می دهند، اما خواست صلح و پایان دادن به عرب  
ستیزی در جامعه اسرائیل و در بین کارگران و در کل دنیا  
بشدت بالاست. اگر بورژوازی یهود از اروپا ناسیونالیسم و  
تمام ارتجاع جدایی طلبی قومش را به "ارض موعود"  
آورد، کارگر یهود نیز آرمان سوسیالیستی اش را به همراه  
آورد. دولت بورژوازی اسرائیل بر پایه ارتجاع جدایی طلبی  
قومی بنا شد. ارتجاعی که چهره ضد بشری اش از همان  
بدو تشکیل این دولت در رفتار با فلسطینی ها آشکار بود.  
کارگر فلسطینی در اسرائیل وقتی چشم باز کرد، خود را  
زیر هجوم قوم پرستی دولت اسرائیل، یافت. با این حال  
این دولت در درون خود، زیر فشار کارگر یهود قرار داشت  
که انزوا و زندان این دولت را تنها با این ترفند پذیرفته بود  
که آرمان سوسیالیستی اش را در "ارض موعود" عملی  
کند. این چیزی بود که توانست چهره درونی دولت  
اسرائیل را از چهره بیرونی آن برای سالها متمایز نگه دارد.  
درجه بالای تشکل کارگران یهود، زندگی اشتراکی در  
کیبوتس ها، تامین اجتماعی و اقتصادی، مهر و نشان  
آشکاری بود که فشار کارگر یهود و آرمان سوسیالیستی او  
بر مناسبات درونی دولت اسرائیل زده بود. اگر دولت  
اسرائیل با ارتجاع قومی، ستمگری و تبعیض مشخص  
میشد، دستاوردهای کارگر یهود نیز امکان اینرا داده بود  
که این دولت از لحاظ مناسبات درونی اش بعنوان  
"دموکراسی کوچک" و سر پل تمدن در ... صفحه ۳

برخلاف دفاعیات شما از سرمایه  
و دولتش، نه میزان افزایش قیمت  
ها، بلکه حتی روش تهیه نرخ  
تورم، و مهمتر اینکه اساسا چه  
اقلامی در تهیه این نرخ توسط  
بنیادهای آماری استفاده شده اند،  
سوال و مسئله کشمکش سیاسی  
و اجتماعی در جامعه است؟!  
بورژوازی و دولتش در ایران،  
همچون سراسر دنیا، خود تصمیم  
گرفته است که مایحتاج کارگر  
چیست. آیا ماشین ظرف شویی،  
لباس شویی، وسایل الکترونیکی  
و کامپیوتر، سرگرمی کودکان  
کارگر، امکانات رفاهی، استخر و  
بازی تنیس و اسکی در زمستان،  
تعطیلات و مسافرت به نقاط  
استراحت و گردش در دیگر  
کشورها، پوشاک متنوع و خلاصه  
تمامی آن اقلامی که سرمایه  
داران از آنها استفاده می کنند و  
جزو مایحتاج شان است، شامل  
این دستگاه سنجش ... صفحه ۳



## کاهش تورم و بهبود زندگی کارگر!

امان کفا

مشعشعات و کشفیات اقتصادی  
که این فقها به آن دست یافته اند  
و ایراد هم لابد از مردم است که  
در دنیای واقعی، معیارشان نه  
آمار، بلکه توان تهیه مایحتاج  
روزمره شان است.  
ای کاش یکی از کارمندان، و  
یا یکی از محصلان سال اول  
کلاس های "تورسین های این  
کارشناسان" همانجا سوال میکرد،  
که استاد محترم! مگر نه اینکه  
همه می دانند که نرخ تورم، در  
سراسر دنیای سرمایه، نه معیاری  
اقتصادی، بلکه سنجشی سیاسی  
و بیانی از مبارزه طبقاتی در زمین  
واقعی است؟ مگر نه اینکه

نرخ تورم دو رقمی این ماه  
هم اعلام شد، ولیکن این نرخ  
حتی بنا به اینکه به بانک مرکزی  
و یا مرکز آمار رجوع شود،  
متفاوت است! تورم دورقمی، اما  
کوچکترین تاثیری در اشتیاق  
"کارشناسان" اقتصادی\* و  
جمعی از "متفکرین دانشگاهی"  
طبقات دارا ندارد و کماکان به  
تهنیت و آفرین گویی های خود  
به دولت روحانی مشغولند و ادعا  
می کنند که این دولت توانسته  
است تورم را از چهل و چند  
درصد به یک سوم آن کاهش  
دهد، ولیکن از قرار مردم "اشتباه"  
می کنند و نمی فهمند که  
"کاهش تورم مترادف با کاهش  
قیمت ها نیست". عجب

آزادی برابری حکومت کارگری

در میان طیف خاتمی چپان و روحانی مداران براه افتاده است. تشکیل ائتلاف از دواخوردادی ها و معتدلین امروز و توافق بر سر دادن لیست مشترک برای تسخیر کرسی های مجلس و شاخ و شانه کشیدن های "اصولگرایان دلواپس" براه افتاده است.

تا جایی که به مراسم تقسیم کرسی ها و سکوی های مجلس و انواع هیئت های تشخیص مصلحت و خبرگان و ... باز میگردد طبعاً این سیر هم سپری میشود و آقایان و خانم ها صندلی ها را باز اشغال خواهند کرد و تعدادی در میان خودشان راضی و تعدادی شاکی و ناراضی به جای خواهند گذاشت. این مسئله مهمی برای مردم و برای اکثریت محروم جامعه نیست. کسی هم به این که از این تغییرات آبی گرم شود و نانی در سفره کسی گذاشته شود دل خوش نکرده است. فعلاً به کمک روشنفکران دستگامی، جامعه را بدنبال احتمال "سبز و قرمز" شدن چراغ چهارراه مذاکرات، به تحمل بیکاری و فقر و اعدام و بی حقوقی سیاسی واداشته اند و در انتظار نگاه داشته اند.

شواهد اما نشان میدهد که باز بحث "دموکراسی اسلامی" و امکان مبارزات انتخاباتی در یک "فضای سالم" یعنی میدان بیشتر دادن به "اصلاح طلبان" و "معتدلیون" و یا "فضای ناسالم" یعنی میدان بیشتر یافتن "اصولگرایان تندرو"، در حال براه افتادن است. این در حالی است که هنوز روحانی نمی تواند با اطمینان بگوید که یار او و رئیس جمهوری قبلی و توریسین و پراتیسین

اصلاحات، آیا ممنوع البیان و ممنوع تصویر تشریف دارند یا نه؟ و یا اینکه معلوم نیست که آیا رئیس جمهور "جنگ و دفاع مقدس" و یار غار دیروز آقایان، جناب میرحسین موسوی، چند دهه دیگر همچنان چشم و گوش و زبان بسته در حصر خواهند ماند! فعلاً قرار است "دموکراسی اسلامی" باز صندوق برپا کند و رای بگیرد، در حالی که چماق "فتنه" بر فراز سر همگی شان در پرواز است.

زنده نگاه داشتن چماق "فتنه" بر فراز سر خودشان، حکمت بنیادینی دارد. حکمت علاف نگاه داشتن خاتمی، و معلق نگاه داشتن حکم ممنوعیت بیانی و تصویری او، و همچنان در حصر نگاه داشتن موسوی و کروبوی و رهنورد، را همه شان خوب میدانند. قرار است به موقع به بهانه آنها و فتنه بازی آنها، صدای پایین را خفه تر کنند و خفه تر نگاه دارند. این برکت است، که همه شان را با وجود همه تحقیرها و به ذلت و خواری کشیده شدن ها، همچنان گوسفند وار در رکاب نظام و ولی فقیه سربراه نگاه میدارد.

انتظار اینکه مردم ایران برای نجات از فقر و بی حقوقی به چنین جنگجویان و سلحشورانی کمترین چشم امیدی دوخته باشند، خودفریبی اگر نباشد بی تردید کلاهبرداری هست. کسانی که خدمات خود به نظام را انجام داده اند و ارزش مصرف شان به سر آمده است، کسانی که نه توسط دشمن که توسط خودشان بر تخت سینه شان لگد خورده و به زباله دان ریخته شده اند، امکان بیشتری برای عوامفریبی و خودشیرینی در مقابل مردم ایران ندارند.

## قابل دسترس کردن اسناد تاریخی جنبش ما

رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی)، تهیه و در دسترس قرار دادن کل تاریخ جنبش خود را یکی از وظایف رهبری حزب میداند. در پاسخ به این وظیفه، صفحه جدید و ویژه ای در سایت حزب طراحی شده است و تمام این تاریخ، از آرشیو منابع مکتوب و نوشتاری تا صوتی و تصویری در دسترس همگان قرار میگیرد. این تاریخ علاوه بر تاریخ حزب حکمتیست، تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری ایران و مقاطعی از حیات احزاب و سازمانهای کمونیستی دیگری نیز هست. این تاریخ با رجوع به اسناد و فاکت ها و منابع ایزکتیو و مستقیم، رویدادها و تاریخ واقعی کمونیسم معاصر ایران است. تاریخی که در عین حال برای حزب حکمتیست از تولد این رگه فکری در جامعه ایران در اواخر دهه هفتاد میلادی (اواخر دهه ۵۰ شمسی) تا به امروز تاریخ ایزکتیو این حزب است. حزب حکمتیست دسترسی مستقیم و بدون واسطه عموم، بویژه طبقه کارگر و کمونیستها و همه آزادیخواهان، به تاریخ جریان ما را یک نیاز روز میداند. دسترسی مستقیم نسل جوان کمونیستی که در این تاریخ حضور نداشته است، به اسناد تاریخی و فاکتها و منابع ایزکتیو و فراهم کردن امکان استفاده از این تاریخ، و فراهم کردن امکان قضاوت مستقیم در مورد آن، برای حزب ما اهمیت ویژه ای دارد.

در پاسخ به این نیاز، اسناد مربوط به این تاریخ از تشکیل اتحاد مبارزان کمونیست، حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن (کومه له)، حزب کمونیست کارگری ایران و حزب حکمتیست (خط رسمی)، جمع آوری و در یک آرشیو سازمان یافته و به سهولت قابل رجوع در سایت حزب در دسترس همگان قرار گرفته است.

حزب حکمتیست از همه علاقمندان و همه کسانی که دسترسی به حقایق مستند این تاریخ را حائز اهمیت و حق طبقه کارگر، کمونیستها و آزادیخواهان و هر حقیقت جویی میدانند، میخواهد که در تکمیل این تاریخ و قابل دسترس کردن اسناد آن، ما را یاری کنند.

کمیته رهبری حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
(خط رسمی)

۴ تیر ۱۳۹۴

۲۵ ژوئن ۲۰۱۵

لینک ورود به صفحه اسناد تاریخی:

<http://hekmatist.com/Hezb>

[Hekmatist tarix.html](http://hekmatist.com/Hezb)

با اغماز نسبت به رفتار حکومت با مردم، و با ندیده گرفتن آمار هولناک اعدام ها و حمله به اعتصابات و اعتراضات کارگری و دستگیری هر فعال مدنی که واقعا برای ایجاد کمترین بهبودی در وضعیت مردم تلاش میکند، دمکراسی اسلامی ایران حتی برای خودشان هم منجلابی از تحقیر و تهدید و خیمه شب بازی است. خودشان بیش از هر کسی به پوچ بودن دمکراسی اسلامی و پارلمانتاریسم آبی در ایران واقفند. جهانیان این روزها نمونه این نوع دمکراسی را از افغانستان و پاکستان تا لیبی و عراق شاهد اند. دمکراسی اسلامی اسم رمز قوانین بازی میان خودی ها و سردوندان مردم تشنه آزادی است. پیشبرد این دومی را طیف کنشگران سیاسی و دگراندیشان درون و برون مرزی به عهده دارند.

در گرم کردن و گرم نگاه داشتن بساط تور انتخابات مجلس دهم، بالایی ها و مقامات حاکم، امثال روحانی و رفسنجانی و خاتمی و موسوی، نزد افکار عمومی و پایین که زیر فشار فقر و بی حقوقی در حال خفه شدن است، اقبالی ندارند. اگر شانس برای ساکت نگاه داشتن و منتظر نگاه داشتن پیدا میکنند، به این خاطر است که بر برکت اختناق سیاسی که حکومت همچنان سر آن را محکم در دستان خود نگاه داشته است، میدانی آب و جارو شده از فعالیت بر روی طیفی دست به سینه و نوکر بنام روشنفکران ... ص ۴

مرکز جمهوری اسلامی  
زنده باد سوسیالیسم

## شکاف بزرگ ...

خاورمیانه معرفی و ستوده شود. اما کارگر یهود اسیر و محبوس قوم و ملت خود ماند. نتوانست حساب خود را از ارتجاع دولت قومی - مذهبی یهود جدا کند، و نتوانسته است که پرچمی مستقل و آشکار در برابر ستمگری قوم و ملتش بلند کند. خود را به زندانی انداخت که خون و جنگ بر دیوارهایش نقش بسته بود. در درون چنین زندانی، هیچ حیات و شرایط انسانی پایداری نمیتوانست تامین گردد و دوام آورد. ارتجاع و چهره ضد بشری بیرونی دولت اسرائیل، مناسبات درونی را نیز هر روز بیشتر آشکار و به رنگ خود درآورده است. کارگر یهود بار اصلی اقتصادی را بدوش کشیده که درآمدش صرف جنگ و تجهیز مدام آن برای کشتار هم طبقه ای های بیگناه فلسطینی اش شده است. هیچ اقتصادی نمیتواند

چنین باری را برای همیشه تحمل کند. سرازیر شدن میلیاردها دلار کمک نظامی دولت آمریکا بند نافی بوده که ادامه حیات این اقتصاد جنگی را ممکن کرده بود. امروز اما به حکم از دست رفتن موقعیت ممتاز آمریکا در مقابل سایر قطبهای بورژوازی بین المللی، این بندها هم شل شده اند. با این حال بدهی های خارجی دولت اسرائیل در ردیف بالاترین نرخ سرانه در دنیا است. بیکاری و بیکارسازی رسمیت پیدا کرده است. پایین آوردن سطح دستمزدها بعنوان تنها راه درمان اقتصاد اسرائیل جار زده میشود.

بی تفاوتی سیاسی کشانده است. بازی کثیف ائتلاف و رقابت جناح های بورژوازی در اسرائیل، لاس زدن آنها بر سر "امنیت" در منطقه با دول بورژوازی عرب و دستجات مذهبی و شبه فاشیستی، و تداوم آدمکشی علنی در فلسطین، حال حتی مرتجعینی چون پاپ و دول غربی حامی دولت اسرائیل را نیز بهم زده است.

از او میخواهد که فلسطینی باشد و کارگر بودنش را فراموش کند. جامعه اسرائیل تحت حاکمیت دولتی اولترا فاشیست اکنون آشکارا دیگر هیچ قربانی با آن توقعات انسانی که کارگر یهود به جستجوییشان به "ارض موعود" کشیده شد، ندارد. کارگر یهود سالهاست که خود را در زندان دولت یهود یافته است. زندانی که تصور گتوهای یهودی جوامع اروپای شرقی و مرکزی را با تمام انزوا، ترس و تهدید خشونت حاکم بر آنها اکنون در شکلی وارونه برای او بازتولید میکند. وی در اروپا و در انزوا طلبی قوم خود، فشار ارتجاع ملل دیگر و پس از کابوس نازیسم آلمان چنین پنداشته بود که قربانی ناسیونالیسم ملل دیگر است. اکنون زندان دولت یهود به او نشان میدهد که قربانی قومیت و ناسیونالیسم خویش است.

کارگر یهود حال ناچار است که خود و آرمان سوسیالیسم اش را علیه قومیتش، و در مقابل ناسیونالیسم ملت خویش بازشناسد. او نمیتواند چشمش را بر روی کارگر فلسطینی که در کنارش سالهاست به وجود آمده و به بردگی مزدی محکوم شده، ببندد. دستی را که این کارگر با روند جدایی خود از بورژوازی عرب به سختی میکوشد به سمت او دراز کند، نمیتواند پس بزند. رهایی کارگر یهود و کارگر عرب تنها در یک افق مشترک عینیت میاید: افق سوسیالیسم کارگری!

در این مسیر مبارزه همزمان علیه ناسیونالیسم یهود و ناسیونالیسم عرب، علیه افقهایی که از شکاف قومی - مذهبی موجود نان میخورند و تاریخا به همدیگر نیرو داده اند و توجیه شان را در یکدیگر یافته اند، اجتناب ناپذیر است.

## کاهش تورم و ...

نرخ تورم هم هست؟ مسلما پاسخ منفی است، چون ارقام مورد استفاده و حد و اندازه هر کدام از آن کالاها، در تهیه نرخ تورم از پایه و بن برای کارگر و بورژوا متفاوت است. هر کسی یک روز در بازار کار گشته باشد، می داند که افزایش قیمت کالاهایی که در تهیه نرخ تورم استفاده میشود، به هیچ وجهی ناشی از افزایش درآمد و حقوق کارگر نبوده و نیست، بلکه ریشه در عوامل و فاکتورهای دیگری دارد، که زاده و پرداخته خود طبقات حاکم و دولت هایشان است.

امروز به حق، حق زنده ماندن و زندگی انسانی است، که گرانی سرسام آور و مشکل

تهیه نیازهای اولیه و مسئله معیشت را به گره گاه اصلی و معیار سنجش هر سیاست و طرحی در ایران بدل کرده است. کل طبقه سرمایه دار، چه کلان و چه خرد آن، چه دولتی و چه غیر دولتی ها، همگی مصمم هستند تا با تحمیق و شامورتی بازی این شرایط را به طبقه کارگر در ایران تحمیل کنند و راه را برای پیوستن به بازار جهانی خود هموار کنند. اگر افزایش مزد کارگر بنا به تورم، آن حداقلی بود که کارگر در پروسه انقلاب ۵۷ به سرمایه داران تحمیل کرده و آنرا قانونی کرده بود، لغو آن نیز، بخشی از "دست آوردهای" دول گوناگون جمهوری سالهاست که پاسخ

کمونستی به این شرایط هم به همان اندازه در ایران مطرح است. مسلم است که سرمایه داری همیشه بدنبال سود حرکت می کند و حتی در دوران رونق اش، همواره درصد سهم کارگر از کل تولید را روز بروز کاهش می دهد. هرگونه انتظار و دل بستن به جناحی از بورژوازی برای شرایطی که کارگر نگران قیمت های کالاهای مورد نیازش نباشد، امیدی واهی است. برخورد به هر نیرو و جریانی که با توهم پراکنی، عملا کارگران را به تحمل این شرایط، و صبور بودن و منتظر ماندن بهبود شرایط توسط دولت جمهوری اسلامی و یا جناحی از آن فرا میخواند، امروز دیگر نه فقط ساده نگری، بلکه سرکار گذاشتن

کارگر است. نمی شود دست به کلاه خویش گرفت و به موقعیت فعلی رضایت داد و زیر لب گفت که انشالله گربه است! پاسخ واقعی براندازی کل نظام کار مزدی است. و تا زمانی که این نظام حکومت می کند، حداقل خواسته کارگر کمونیست این است که تصمیم گیری در مورد روش، لیست کالاها و اندازه و میزان نیاز به آنها، تحت نظارت نمایندگان واقعی کارگران باشد. تنها با رسمیت یافتن این قدرت تصمیم گیری است که نرخ واقعی تورم بدست می آید. به همین دلیل، هرگونه پیشروی و بهبود وضعیت اقتصادی کارگر در ایران، نه از کانال "گشایش اقتصادی" عالیجنابان حاکم، بلکه از کانال متشکل شدن، اتحاد و

پشتیبانی از مبارزات جاری و روزمره این طبقه در سطح سراسری علیه وضع موجود می گذرد. فایق آمدن بر این شرایط دست کارگران کمونیست و رهبران عملی کارگری سوسیالیست در بوجود آوردن این اتحاد طبقاتی را می بوسد. همبستگی و تشکل امروز از نان شب واجب تر است.

\* فقر، تورم را ملموس تر می کند" در روزنامه شرق دوم تیر

حکمت پهلوی را بخوانید و آن را تکثیر و پخش کنید.

حکمت را بدست کارگران برسانید!

اصلاح طلب مجدداً باز شده است. بخصوص این روزها و بعد از سازش ایران و دول غربی، که رسانه های رسمی در غرب و بخصوص بی بی سی هم، ماشین تبلیغاتی اش تماماً در خدمت دولت روحانی و "اسلام رحمانی" ایشان قرار گرفته است. در این شرایط طیف روشنفکران و کنشگران اصلاح طلب، گوی سبقت را از هر شارلاتان و حقه باز سیاسی در جهان، برده اند. باید در انتظار معجزات این جمعیت انگلی بود تا باز بساط دموکراسی اسلامی در ایران را با رنگ و لعاب جدیدی گرم کنند و گرم نگاه دارند. پابه پای هر بادی که از گلوی یکی از شخصیت های سازندگی و پایداری خارج میشود، با هر نیمه نعره نخرانیده ای که دوستان افراطی حکومت سر میدهند، و اندر فوائد یا مضار حق زن و حق معاش و زندگی و تمدن نشخوار میکنند، طیف روشنفکر اصلاح طلب و دوخردادی ایران بانضمام توده - اکثریت، وارد گود میشوند تا در حمایت رسانه هایی چون بی بی سی، قلم برکف و بلندگو بدست در صف مقدم شمشیر بزنند. با هر حرف نپخته و نجویده این و آن مقام دولت اعتدال و دوخردادی، بازار خودشیرینی روشنفکرانه به سیاق اصلاح طلبی براه می افتد. شغل این ها تضمین داغ نگاه داشتن بازار این انتخابات های مضحک، و در عین حال تامین سکوت و خاموشی پایین است.

در شرایطی که به برکت دولت اعتدال آمار اعدام ها افزایش یافته است، و هر روزنامه نگار و فعال مدنی و فعال کارگری که خواسته باشد برای کمترین بهبود که نه، حتی برای گرفتن حقوق های معوقه یا در اعتراض به زندان و اعدام، کاری کرده باشد، یا پشت میله های زندان است و یا بیکار و در انتظار محاکمه؟ در حالیکه دولت اعتدال حتی تحمل حضور زنان در استادیوم ورزشی برای تماشا را هم ندارند و اعتصاب کارگری را با نیروی انتظامی سرکوب میکند، به فتوای خانمها و آقایان روشنفکر اصلاح طلب، قرار است دموکراسی اسلامی ایران شکوفه دهد! و اگر همه با هم برای اصلاحات دمکراتیک از طریق نظام و انتخابات هایش متحد شوند، مردم به آزادی های دمکراتیک می رسند. از احزاب قوم پرست و ناسیونالیست کرد تا انواع و اقسام بازندگان و بازماندگان عالم سیاست ایران، همه در صف برای ورود به پارلمان دموکراسی اسلامی ایران در انتظار نشسته اند. چیزی که به نحو بهت آوری غیرقابل فهم است توان طیف دگر اندیشان و فعالان سیاسی است که این جابجایی ها را بعنوان اصلاحات و راه تغییر برای جامعه دمکراتیک و دموکراسی در بوق و کرنا میکند. مهارت کسانی چون فرخ نگهدار و طیف توده - اکثریت و چپ دیروزی، تا دگر اندیشان حقوق بشری بی مایه که به برکت بسته بودن در فضای سیاسی در جامعه، به

نان و نوایی در مقام نویسندگی و فعال سیاسی رسیده اند، حیرت انگیز است. مهارت در یافتن هر منفذ و هر دریچه محفزی برای گدایی قبولی در درگاه حاکمیت، بیش از حیرت انگیز مهوع است. "افراطیون نمی گذارند"، شاه کلام حکومت و اپوزیسیون اصلاح طلب آن است. دروغ میگویند! افراطیون مطلقاً مانع هیچ چیز نیستند. این ها همه قدرت از دولت و وزارتخانه ها و دیپلماسی و عراق و سازمان ملل را بدست دارند. "جامعه جهانی"، همان نیروهایی که دیروز شیطان بزرگ و منشا مفاسد بودند، امروز همه شرایط را برایشان مهیا کرده است. دروغ میگویند، کسی مانع شان نیست. انصار حزب الله و لولوی افراطیون، فقط و فقط برای تضمین ساکت نگاه داشتن پایین است. جنبش اصلاحات در ایران پیروز شده است، هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی! وضع موجود حداکثر اصلاحات سیاسی و اقتصادی است که فقر و بیکاری و دورنمای کور کمترین بهبود اقتصادی بعلاوه فضای سیاسی که در آن معنی لاطایلات مربوط به امید و اعتدال، گسترش اعدام ها است حداکثر اصلاحاتی است که جمهوری اسلامی ایران ظرفیت ایجاد آن را دارد. خانم ها و آقایان اصلاح طلب شیفته دموکراسی اسلامی ایران!

شوالیه اصلاحات آن، ممنوع تصویر و صدا هستند یا نه؟ هنوز معلوم نیست که قوه قضائیه رسماً به ایشان اجازه باز کردن دهان داده است یا نه! حکومتی که شرکای دیروز خود در دفتر ریاست جمهوری و سپاه و بیت امام را بعنوان عوامل قتنه سالها است در حصر و حبس و تبعید علاف نگاه داشته است، شما را نخواهد پذیرفت! باور کنید که این آسمان ظاهراً بی ابر و هوای ظاهراً آفتابی، بسرعت طوفانی خواهد شد. اپوزیسیون اصلی و واقعی شما، اپوزیسیون طبقاتی و رادیکال شما، طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه، نیروی که با آزادی خود همگان را آزاد خواهد کرد، در کمین است. برای روزهای پشیمانی تان از امروز راهی برجای بگذارید. همچون رسم همه فرصت طلبان تاریخ، همه پل های پشت سرتان را خراب نکنید! روی اسب های بازنده باز همه سرمایه زندگی تان را شرط نگذارید. دموکراسی پارلمانی و مبارزه انتخاباتی در صف بورژوازی ایران حرف مفت و پوچ است. این مسیر در زمان محمد رضا شاه که خیلی هم غربی بود و دوست آمریکا، از آقای ظریف تربیت شده تر و زبان دان تر، و ایران بهشت سرمایه گذاری، سرانجام به حزب رستاخیز انجامید. آزادی های دمکراتیک و اسلام زدایی کامل و رفاه و زندگی انسانی، کار جنبش های دیگری است. آزادی احزاب سیاسی و مبارزه سیاسی در چهارچوب جمهوری اسلامی یا غیراسلامی و غربی سلطنتی

یا جمهوری، ممکن نیست. آزادی های سیاسی و رفاه و زندگی انسانی را فقط و فقط از پایین، علیه حاکمیت، و به زور جنبش های مترقی و آزادیخواهانه میتوان تحمیل کرد. شرایط دمکراتیک و آزادی های سیاسی به تبع راه حل اقتصادی است. تنها راه حل اقتصاد ایران برای رشد و رفاه و آزادی های دمکراتیک، اقتصاد سوسیالیستی است. راه ایجاد کمترین بهبود جدی در شرایط کار و زندگی اکثریت مردم محروم ایران، تنها و تنها یک حکومت سوسیالیستی و قدرت گرفتن طبقه کارگر و کمونیسم است. این ضرورت امروز، با کور شدن کمترین دورنمای بهبود اقتصادی در چهارچوب نظام سرمایه داری در سراسر جهان، بیش از پیش خود را به تحولات آتی در ایران تحمیل میکند.

از صفحه ویژه سایت حزب دیدن کنید:

شکاف غرب و جمهوری اسلامی، "بحران هسته ای"

http://hekmatist.com/vizheh hasteyee.html

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی fuaduk@gmail.com

تماس با حزب hekmatistparty@gmail.com

زنده باد انقلاب کارگری!